

Investigating Intergeneration Difference in using Mazandarani(Jouybari) Words

Khadije Vasu Jouybari¹

Studies relevance to Mazandarani language shows the speakers tendency to persian language. The method of this research, which is descriptive- analytic, is estimating the amount and the quality of using Mazandarani words among Jouybari speakers (Jouybar is a small town in the center of Mazandaran). The purpose of this study is estimating age as a social factor in using Mazandarani local words by using “Questionnaire for gathering Dialects” prepared by Bahram Farahvashi and Moris swaddesh list. Fifty speakers from five aging groups: the aged(60 to up), adults(40 to 60),the youth(20 to 40), adolescents(10 to 20) and child(2 to 10) are chosen. The research sample is composed of 200 of 1300 dialect words in questionnaire. The results are arranged in three tables. The first table is composed of the words with the highest frequency. The second table is divided to five tables. Each table is set on the basis of all the presented answers and their percentages. In the third table, which is the basis of the analysis, all the words divide to eleven categories (relativeness,animals,food,house,facilities,objects, sentence, infinitives, disease, natural phenomena, organs of body, genitive expressions). The most used words with their percentages are shown in this table. The average of frequency is calculated according to the eleven categories in different ages. These averages are:

1-Total average of eleven categories in using Mazandarani-Jouybari words for 60 to up years old is%83/43, for 40 to 60 is %81/22, for 20 to 40 is %77/68, for 11 to 19 is %44/84 and for 2 to 10 years old is %14/25.

On the whole, the received results shows that the most tendencies to using Mazandarani words is among the aged or parents. The number of speakers decreases among adolescents and children. The received results shows the language change from Mazandarani to Persian.

Key words: 1-Intergeneration difference,2-Jouybari dialect,3-Frequency difference

1- A Graduate Student , linguistics , Alzahra University

بررسی تفاوت بین نسلی در کاربرد واژه‌های مازندرانی جویباری

خدیجه واسو جویباری^۱

چکیده

تحقیقات انجام شده در خصوص زبان مازندرانی حکایت از گرایش گویشوران به زبان فارسی دارد و با ادامه این روند بیم آن می‌رود که این زبان برای همیشه به دست فراموشی سپرده شود. هدف از این پژوهش که به روش میدانی (مصاحبه) است، تعیین میزان کمی و کیفی کاربرد واژه‌های مازندرانی در میان گویشوران شهرستان جویبار (واقع در مرکز استان) است. در این تحقیق سعی می‌شود تا با استفاده از "پرسشنامه تحلیل زبانی (ویژه گونه‌های زبانی رایج ایران) و فهرست مورس سوادش" کمیت و کیفیت مزبور سنجیده شود. نکته در خور توجه، بررسی عامل اجتماعی سن در خصوص کاربرد واژه‌های محلی جویباری است. شواهد و نتایج حاکی از آن است که بیشترین میزان کاربرد زبان مازندرانی میان والدین یا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هاست. هرچه به گروه سنی پایین‌تر می‌رویم تعداد این افراد به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. در مجموع یافته‌های حاصل از بررسی کاربرد دو زبان فارسی و مازندرانی در پنج گروه سنی حکایت از فرایند تغییر زبان در جهت حذف زبان مازندرانی در منطقه حکایت دارند.

واژگان کلیدی: ۱- تفاوت بین نسلی، ۲- گویش جویباری، ۳- اختلاف بسامد

۱- مقدمه

مازندران یکی از استان‌های کشور ایران است و مازندرانی یکی از زبان‌های حاشیه دریای خزر و از زبان‌های ایرانی نو غربی است که با زبان‌های کردی، بلوچی، طالشی، تاتی، گیلکی و زبان‌های مرکزی ایران رابطه خواهری دارد (ارانسکی ۱۹۶۰: ۳۳۹-۳۳۰). در مورد وجه تسمیه و تاریخ مازندران در آثار و نوشته‌های نویسندگان به آن اشاره شده است (مهجوری ۱۳۸۱، لاریجانی ۱۳۷۲، کریم زاده ۱۳۷۲، شیخی کیاسری ۱۳۷۲). صادق کیا معتقد است نام مازندران از سه جزء ساخته شده است. نخست "مز" به معنی بزرگ، دوم "ایندره" نام یکی از پروردگان آریایی است که در دین مزدیسنا از دیوها شمرده شده است. نام این دیو در اوستا "ایندران" و در پهلوی "آندر" آمده است. سوم، الف و نون "پسوندی" که در ساختن نام جاها بسیار به کار می‌رفته است. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که وجه تسمیه اصلی مازندران می‌تواند همان "مازتر، مازینه، مازن" باشد که از نظر ساختمان لغوی و با توجه به مدارک بجا مانده احتمال صحت بیشتری دارد (نیکزاد لاریجانی، ص ۷۵-۷۶). زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی ناگزیر است به موازات دگرگونی‌هایی که در سطح جامعه پدید می‌آید خود را با نیازهای اساسی منطبق سازد و در نتیجه دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. گونه مازندرانی به دلیل رابطه نزدیک با فارسی و همچنین به خاطر رشد سریع رسانه‌های گروهی و تحولات اخیر جامعه در حال تغییر و فراموشی است. پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌های چشمگیر در چند دهه اخیر به سبب پیدایش و گسترش رسانه‌ها در زندگی و گفتار مردم، موجب تسریع در فروپاشی واژه‌های مازندرانی شده است. تردیدی نیست که برای حفظ گویش‌های محلی و زبان‌های بومی باید تلاش کرد. در این پژوهش سعی بر آن است تا کمیت و کیفیت کاربرد واژه‌های مازندرانی در تعاملات گویشوران شهرستان جویبار با توجه به تفاوت‌های بین نسلی سنجیده شود. هدف نهایی، بررسی مسئله حفظ یا تغییر زبان در منطقه مورد نظر با توجه به آگاهی‌ها و اطلاعات به دست آمده است. شاید نتایج حاصله به حفظ و بقای این زبان سهمی هر چند کوچک داشته باشد. شهرستان جویبار قبل از رضا شاه به سبب غلات و پنبه فراوان به باغلو معروف بود. گونه جویباری یکی از گونه‌های رایج در استان مازندران است که با گونه‌های دیگر از نظر آوایی تفاوت دارد. یکی از ویژگی‌های گویشوران این شهرستان دو زبانگی (bilingualism) است، یعنی تسلط در کاربرد دو زبان. البته وجود گویشوران مسنی که فقط یک زبانه (آن هم مازندرانی) هستند نیز در گوشه و کنار این شهر به چشم می‌خورد. فیشمن (fishman)، (۲۰۰۱) عنوان می‌کند "اگر زبانی فقط توسط گویشوران مسن خود به کار رود، خواهد مرد. بررسی‌های گوناگونی زبان نشان داده است که عوامل اجتماعی

در روند تحولات تاریخی زبان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. این عوامل ممکن است موجب انتخاب یک زبان یا لهجه در موقعیتی و طرد زبان یا لهجه‌ای دیگر شود که به این حالت "تغییر زبان" (language change) گویند. هرگاه یک جامعه زبانی به نفع یک زبان جدید از زبان خود دست بکشد، تغییر زبان رخ می‌دهد (فسولد ۱۹۸۷). فسولد (fasold) در مقابل "تغییر زبان" از پدیده "حفظ زبان" (language maintance) یاد می‌کند و آن هنگامی است که افراد یک جامعه زبانی همچنان به زبان خود ادامه دهند. از جمله افرادی که به پژوهش در ارتباط با عوامل اجتماعی موثر بر تغییر زبان پرداختند می‌توان به ویلیام لباو (w.Labov) همراه با جامعه‌شناسان زبان دیگر اشاره نمود که سعی داشتند به این مهم بپردازند که زبان در جوامع مختلف چگونه تفاوت می‌یابد. کریستال (Crystal, ۲۰۰۰) عنوان کرده است "بسیاری از مردم تصور می‌کنند مرگ زبان (language death) اهمیتی ندارد و کم شدن تنوعات زبانی به نفع بشریت است. آنها معتقدند در دنیای ایده آل فقط یک زبان وجود دارد که آگاهی، درک دو جانبه و صلح را تضمین می‌کند. اما برخی دیگر مرگ زبان را مهم تلقی می‌کنند. در واقع زبان نشان‌دهنده هویت یک ملت است.

۲- پیشینه مطالعات

به طور کلی چند دهه‌ای است که مطالعات گسترده‌ای در تمام نقاط جهان برای بررسی جامعه‌شناختی زبان و گویش‌ها صورت پذیرفته است. زبان پدیده‌ای یکپارچه و همگن نیست. وجود تنوعات در زبان‌های مختلف این امر را بدیهی می‌سازد. "جامعه‌شناسی زبان" به عنوان یک رشته دانشگاهی تقریباً از ۶۰ سال گذشته رو به ترقی نهاده است. وقتی جامعه‌شناسی زبان به عنوان یک رشته تحقیقی از اواخر دهه ۱۹۶۰ عمومیت یافت، دو عنوان برای آن وجود داشت "جامعه‌شناسی زبان" و "زبان‌شناسی اجتماعی". در ابتدا این دو واژه می‌توانستند به جای هم به کار روند بدون اینکه تفاوتی بین آن دو دیده شود. اما بعدها یکی از تمایزاتی که به آن اشاره شد این بود که زبان‌شناسی اجتماعی (socio linguistics) به مطالعه زبان در ارتباط با جامعه می‌پردازد ولی جامعه‌شناسی زبان (sociology of language) به مطالعه جامعه در ارتباط با زبان می‌پردازد. مدرسی (۱۵:۱۳۶۸) عنوان می‌کند "این دو اصطلاح به جای یکدیگر بکار گرفته می‌شود زیرا به قول فیشرمن وجوه اشتراک این دو بیش از وجوه افتراق است." قبل از پرداختن به دستاوردهای کلی پژوهش‌های انجام شده در خصوص حفظ یا تغییر زبان، به چند نمونه از کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی اشاره می‌شود که به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در بروز گوناگونی‌های زبانی در یک جامعه دو زبانه مازندرانی پرداخته‌اند. بشیرنژاد (۱۳۷۹) به بررسی

و کاربرد فارسی و مازندرانی در میان دانش‌آموزان و معلمان شهرستان آمل پرداخته است. او طی بررسی‌های خود، ۳۰۰ دانش‌آموز و ۹۰ معلم را از ۶۰ دبیرستان مختلف برای تکمیل پرسشنامه انتخاب کرده است. پرسشنامه وی حاوی ۳۸ پرسش باز و بسته است که به کاربرد دو زبان در حوزه‌های مختلف می‌پردازند. در این بررسی مشخص شده است که عوامل اجتماعی از قبیل: جنسیت، سن، تحصیلات و طبقه اجتماعی در کاربرد زبان فارسی در حوزه‌ها و قومیت‌های مختلف موثرند. در مجموع کاربرد فارسی در میان جوانان، زنان و دختران، افراد متعلق به خانواده شهرنشین طبقه بالا و تحصیلکرده بیش از سایر گروه‌هاست. در بخش نتیجه‌گیری عنوان می‌کند در مجموع یافته‌های حاصل از بررسی کاربرد دو زبان در حوزه‌های مختلف و نگرش‌های موجود از فرایند تغییر زبان در جهت حذف زبان مازندرانی در منطقه حکایت دارند.

رجب زاده (۱۳۸۳) به بررسی تداخل زبان فارسی و مازندرانی و گویش ترکی در شهرستان گلوگاه از شهرهای استان مازندران پرداخته است. جامعه آماری او شامل ۴۰۰ گویشور و ۶ نوار مصاحبه بوده است. نتیجه‌ای که رجب‌زاده گرفته بود این است که گویش ترکی با توجه به اعتباری که زبان فارسی دارد یارای برابری با آن را نداشته و به تدریج در گردونه زمان رو به فراموشی است. این همان پدیده‌ای است که زبان‌شناسان از آن به مرگ زبان یاد می‌کنند. از جمله مقالات جدید و در خور توجه می‌توان به "دوزبانگی در مازندران: هم زیستی مسالمت آمیز با فارسی" از برجیان (۲۰۰۵) استاد دانشگاه کلمبیا اشاره نمود. برجیان که خود در شهر ساری (مرکز مازندران) تولد یافته است، علاقه به مازندرانی را به خاطر آشنایی به زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان و قوم‌شناسی عنوان می‌کند زیرا بدون این عوامل علاقه به مازندرانی تا این حد جلوه‌گر نمی‌نمود. او مهاجرت‌هایی را که اخیراً در شهرهای مازندران صورت پذیرفته عامل مهمی در کاهش زبان مازندرانی عنوان می‌کند. به اعتقاد او اکثریت جمعیت مازندران دو زبانه هستند، اگرچه مازندرانی تحت تاثیر شدید زبان فارسی است. برجیان به نقل از وارادا (۱۹۸۷) عنوان می‌کند زبان با توجه به نیازهای گویشوران شکل می‌گیرد. در مازندران هم ضرورت احتیاجات جدید موجب همگونی زبان برای نسل جدید شده است. نسلی که نمی‌توانند با تکیه صرف بر گویش‌های محلی به پیشرفت‌های اجتماعی برسند. از طرفی خانواده هم عامل بسیار مهمی می‌تواند باشد. او به نقل از گروسچین (۱۹۸۲) عنوان می‌کند: دیدگاه منفی نسبت به گویشوران یک جامعه زبانی تاثیر روانی بر روی جامعه زبانی و زبان خواهد داشت. در جمع‌بندی مباحث ذکر شده به بیان نظرانی چند در خصوص حفظ یا تغییر زبان می‌پردازیم. فیشر (Fisher) سه جنبه تغییر زبانی را فهرست بندی می‌کند: ۱- شهرنشینان بیشتر از روستائیان تمایل به تغییر زبان دارند ۲- زبان

معتبرتر معمولاً جایگزین زبان کم اعتبارتر می‌شود. ۳- حفظ زبان به میزان پابندی افراد گروه نسبت به زبان و ملیت آنان بستگی دارد (دیتمار، ۱۹۷۶: ۱۷۹). مطالعات و پژوهش‌هایی که در سطح جهان صورت گرفته حاکی از آن است که در تمام مراحل تغییر، عوامل کم و بیش مشابهی در جریان بوده است. از جمله مهاجرت، صنعتی شدن و تغییرات اقتصادی دیگر، شهرنشینی و تمدن، اعتبار بالا برای زبان که تغییر در جهت آن صورت می‌گیرد و نیز جمعیت کم گویشوران زبانی که در حال تغییر است (فسولد، ۱۹۸۷: ۱۶). از نظر نگارنده، با توجه به پژوهش‌هایی که در خصوص حفظ یا تغییر زبانی صورت پذیرفته می‌توان به نتایج ذیل اشاره نمود: (در اکثر موارد ذکر شده، دیده شد که دو زبانگی امری غالب می‌نماید، یعنی در اکثر موارد جوامع زبانی دو زبانه یا گاهی سه زبانه بوده اند).

- در اکثر موارد این نتیجه به دست آمد که زبان معیار و رسمی، زبان آموزشی است که منجر به تحول زبان بومی و تغییر آن به سمت زبان رسمی می‌شود.
- در اکثر موارد این گروه کوچک‌تر است که جای زبان خود را به زبان گروه بزرگ‌تر می‌دهد.
- یکی از مهمترین عواملی که باعث می‌شود افراد جوامع مختلف پابندی خود را به ارزش‌های قومی از دست دهند، از دست دادن خود اتکایی اقتصادی است. به عنوان نمونه می‌توان به وابستگی گروه کوچک‌تر به گروه بزرگ‌تر برای امرار معاش اشاره نمود.

تحقیقات انجام شده در خصوص زبان مازندرانی حکایت از گرایش گویشوران به زبان فارسی دارد و با ادامه این روند بیم آن می‌رود که این زبان برای همیشه به دست فراموشی سپرده شود. هدف از این پژوهش که به روش میدانی (مصاحبه) است، تعیین میزان کمی و کیفی کاربرد واژه‌های مازندرانی در میان گویشوران شهرستان جویبار (واقع در مرکز استان) است. در این تحقیق سعی می‌شود تا با استفاده از "پرسشنامه تحلیل زبانی ویژه گونه‌های زبانی رایج ایران و فهرست موریس سوادش" کمیت و کیفیت مزبور سنجیده شود. نکته در خور توجه، بررسی عامل اجتماعی سن در خصوص کاربرد واژه‌های محلی جویباری است. برای این منظور ۵۰ گویشور از پنج گروه سنی (بزرگسال، میانسال، جوان، نوجوان و خردسال) انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش حدود ۲۰۰ واژه گویشی از ۱۳۰۰ واژه مشتمل در پرسشنامه است. در این پژوهش سعی شده است تا واژه‌هایی انتخاب شوند که برای هر پنج گروه سنی قابل فهم باشند. در مبحث تجزیه و تحلیل داده‌ها که به روش توصیفی است، ابتدا واژه‌هایی با بالاترین بسامد انتخاب و پس از آن تمام پاسخ‌های ارائه

شده به اضافه درصدهای آن ارائه شده است. اساس تحلیل را بخش مقولات تشکیل می‌دهد. در این قسمت تمام دویست واژه به یازده مقوله (خویشاوندی و وابسته-حیوانات و وابسته-غذا-وسایل منزل-اشیاء-بیماری-مصدر-عبارات وصفی و اضافی-پدیده‌های طبیعی-اعضای بدن و جمله) تقسیم شده‌اند. در نهایت هم با مقایسه کل مقولات مشخص می‌شود که میانگین بسامد کل مقولات در گروه سنی ۶۰ به بالا ۸۳/۴۳ درصد، برای گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۸۱/۲۲ درصد، گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۷۷/۶۸ درصد، گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۴۴/۸۹ درصد و برای گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال ۱۴/۲۵ درصد است.

شواهد و نتایج حاکی از آن است که بیشترین میزان کاربرد زبان مازندرانی میان والدین یا پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هاست. هرچه به گروه سنی پایین‌تر می‌رویم تعداد این افراد به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. در مجموع یافته‌های حاصل از بررسی کاربرد دو زبان فارسی و مازندرانی در پنج گروه سنی حکایت از فرایند تغییر زبان در جهت حذف زبان مازندرانی در منطقه حکایت دارند.

۳- زوال زبان‌ها و گویش‌ها (Dialects death)

وقتی می‌گوئیم زبان یا گویشی به زوال رسیده است، منظور این است که بجه‌هایی که امروزه به دنیا می‌آیند دیگر به آن زبان یا گویش سخن نمی‌گویند. زبان و گویش در حال زوال به زبان و گویشی گفته می‌شود که اگر جوان‌ترین گویشوران آن زبان بمیرد، منقرض خواهد شد (یارمحمدی، ۱۳۷۴: ۱۶). پراید (۱۳۷۳) دلایل متنوع مرگ زبان را عوامل زیر می‌داند:

الف- مرگ ناگهانی زبان ب- مرگ بنیادین زبان ج- مرگ زبان از پایین به بالا د- مرگ تدریجی زبان که خود معمول‌ترین نوع از این دسته است و آن زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از زبان‌ها بر دیگری به آرامی فائق آید و آن را کنار زند. از نظر نگارنده هر کدام از گونه‌های قومی به لحاظ اجتماعی در زندگی ما کارکرد خاصی دارند.

فیشمن (۱۹۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "وقتی زبان‌تان نابود می‌شود، چه چیزی از دست می‌دهید" رابطه میان زبان و فرهنگ را بسیار عمیق دانسته است به اعتقاد وی بخش زیادی از فرهنگ در زبان نهفته است و به وسیله آن بیان می‌شود. اگر زبانی نابود شود تمام تعارفات، ضرب‌المثل‌ها و ادبیات نیز از بین خواهد رفت. از نظر نگارنده بعید نیست که در چند سال آینده نسل جوان‌تر، دیگر رغبتی به کاربرد گونه مازندرانی در مکالمات روزمره نداشته باشند و زبان فارسی به سبب وجهه بالایی که دارد جایگزین زبان مازندرانی گردد. اگر زبان مازندرانی اهمیت

خود را در میان نسل جوان جامعه از دست دهد، می‌توان گفت خطر جدی زوال زبانی این زبان را تهدید می‌کند. مدرسی (۱۳۶۸: ۷۸) عنوان می‌کند "در هر دوره ویژگی‌ها و الگوهای متفاوتی در رفتار زبانی کودک ظاهر می‌شود. از سوی دیگر، کودک با آن که در روند طبیعی رشد زبانی خود پیوسته به رفتار زبانی بزرگسالان یعنی نسل ماقبل خود به عنوان الگوی مطلوب نظر دارد، اما هر نسل گرایش‌های تازه و نوآوری خود را نیز دارد. در شهرستان جویبار، هر گروه سنی ممکن است از اصطلاحات ویژه‌ای استفاده کنند که در گروه‌های سنی دیگر این اصطلاحات کاربردی نداشته باشند یا بسامد آن خیلی کم باشد. به عنوان مثال در میان گویشوران میانسال و بزرگسال واژه‌ها و اصطلاحاتی وجود دارد که این اصطلاحات در میان گویشوران جوان‌تر یا نوجوان نامحسوس و ناآشنا به نظر رسد. کلماتی مانند /ajik/ یعنی کرم خاکی و /pitkele/ یعنی جغد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

آنچه در این تحقیق بررسی می‌شود تفاوت بین نسلی در کاربرد واژه‌های مازندرانی - جویباری است. کاربرد زبان یک مسئله کلی است که برای بررسی آن باید تمام عوامل اجتماعی و موقعیت‌ها را در نظر گرفت. در این پژوهش از روش "گویش‌شناسی" چمبرز و ترادگیل (۱۹۸۰) و پژوهش میدانی بدان گونه استفاده شده است که در الگوی زبان‌شناسی اجتماعی (Socio Linguistic Pattern) لباو تشریح شده است. هدف اصلی در گویش‌شناسی شهری چمبرز و ترادگیل بررسی ارتباط بین زبان و عوامل اجتماعی نظیر جنسیت، سن، طبقه اجتماعی، تحصیلات و سبک بوده است. نگارنده به بررسی ارتباط بین زبان مازندرانی و عامل اجتماعی سن توجه داشته است. در این شیوه با استفاده از مصاحبه از گویشوران در کاربرد واژه‌های مازندرانی در پنج گروه سنی، پاسخ‌های به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱ مشخصات مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه‌شوندگان به پنج گروه سنی مختلف (بزرگسال ۶۰ به بالا)، (میانسال ۴۰ تا ۶۰)، (جوان ۲۰ تا ۴۰)، (نوجوان ۱۱ تا ۱۹) و خردسال (۳ تا ۱۰) تقسیم می‌شوند. میانگین سن گویشوران بزرگسال ۶۸/۵، میانسال ۴۸/۷، جوان ۳۱، نوجوان ۱۴/۹ و خردسال ۷/۹ است.

۴-۲ کاربرد فارسی و مازندرانی در مقولات مختلف

برای بررسی کاربرد مازندرانی یا فارسی ۲۰۰ واژه گویشی به یازده مقوله (خوبشاوندی و وابسته حیوانات و وابسته، غذا و وابسته، وسایل منزل و وابسته، اشیاء، پدیده‌های طبیعی، بیماری، اعضای بدن، مصدر، عبارات وصفی و اضافی، جمله) تقسیم شده‌اند. واژه‌هایی که مربوط به

مقوله خویشاوندی هستند عبارتند از (پدر - مادر - برادر بزرگتر - برادر کوچکتر - خواهر - خواهر بزرگتر - خواهر کوچکتر - زن - هوو - شوهر - پدر بزرگ پدری - پدر بزرگ مادری - جد - برادرزاده - برادرزاده‌ها - خواهرزاده - خواهرزاده‌ها - نوه پسری - نوه دختری - والدین - قوم و خویش - شوهر خواهر - زن برادر - باجناق - جاری - پدر شوهر - دختر دایی - مادر شوهر - برادر شوهر - خواهر شوهر - پدرزن - مادرزن - خواهرزن - فرزند - عمو - زن عمو - پسر عمو - دختر عمو - دایی و زن دایی). واژه‌های مربوط به مقوله حیوانات و وابسته عبارتند از (بره - گوسفند - زنگوله - قلاده/گردن بند - نژاد - توله سگ - پارس سگ - گربه - بچه گربه - مرغ - خروس - بانگ خروس - مرغ تخم کن - مرغ کرچ - قدقد کردن - شلاق - تخم مرغ - پر مرغ - مرغدانی - جوجه غاز - اردک - تخم اردک - جوجه اردک - بپر - پلنگ - خرس - گرگ - روباه - شغال - بز کوهی - خرگوش - خارپشت - موش - میمون - لانه پرنده - طوطی - کلاغ - گنجشک - کیوتر - چلچله - عقاب - زاغ - جغد - خفاش - زنبور - قورباغه - تخم ماهی - تیغ ماهی - مورچه - مار - بزغاله - ریش بز - الاغ - کره خر - قاطر - اسب - گاو - بانگ گاو - پالان - دهنه/مهاری). واژه‌های مربوط به مقوله غذاها و وابسته عبارتند از (خرده نان - خامه - روغن حیوانی - پنیر - مایه پنیر - روغن - بادمجان - کدو - چغندر - برنج - سیب و گردو) می‌باشند. واژه‌های وابسته به مقوله وسایل منزل عبارتند از (قاشق چایخوری - قاشق خورشت خوری - چاقو تیز کن - سماور - شکرپاش - قند شکن - تنگ آب - قلیان - چراغ نفتی - لحاف کرسی - آفتابه - جارو - صندوق - کیسه حمام - سیخ - دمپایی - دست گیره پارچه - زرد چوبه - نمکدان - دیگ - کفگیر - الک - ذغال - هیزم - کبریت - تنور). واژه‌های مربوط به مقوله اشیاء عبارتند از (آتش - پنبه - گاری). واژه‌های مربوط به مقوله پدیده‌های طبیعی (باران - برف - تگرگ - باد - شبنم - آب). واژه‌های مربوط به مقوله بیماری‌ها (سوختگی - زگیل - گل‌مژه). واژه‌های مربوط به مقوله اعضای بدن (پا - پشت گردن). واژه‌های مربوط به مقوله مصدر (سرشیر گرفتن - تخم گذاشتن - پر ریختن مرغ و خروس - سرفه کردن - گریستن بر مرده - پر کردن مرغ - نوشتن). واژه‌های مربوط به مقوله عبارات وصفی و اضافی (هوای ابری - مرد خوب - درخت بزرگ - درخت کوچک - بچه ناخوش - پسر قد بلند - روسری سه گوش - مرد چاق - گوش کر - آدم دیوانه - گوشت خام - گوشت پخته - بالش نرم - گل پژمرده - خانه خراب - آدم حسود - آدم پر چانه - مرد پر خور - چوب نیم سوز - شعله آتش - شاگرد نانوا - زرده تخم مرغ - پوست تخم مرغ). واژه‌های مربوط به مقوله جمله عبارتند از (وقتی احمد به آنجا رسید همه رفته بودند - داشتیم میرفتیم سر زمین که پدرتان را دیدیم - فردا من با پدرم با ماشین می‌آیم - آن دختر عروسکش را دوست دارد - خانه برادرزن احمد آن جاست - من

پسر را خوب تربیت کرده‌ام - آهسته برویم که آنها صدایمان را نشنوند - می‌خواهم از اینجا بروم - تمیز می‌کردم - می‌جنگیدی - خریده‌ای - بکنم - داشتیم می‌فهمیدیم - گریه نکن).

۴-۲-۱- مقوله خویشاوندی و وابسته

بدیهی است که مهم‌ترین مکان برای زبان‌آموزی کودک در خانه و خانواده است. با وجود آن که در میان اکثر والدین دو زبانگی امری بدیهی است ممکن است برخی از والدین تصمیم بگیرند که زبانی غیر از زبان محلی به فرزندان خود بیاموزند. در نتیجه اعضای یک خانواده به جای یک زبان از دو زبان برای برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. امروزه شاهد آن هستیم که کاربرد زبان فارسی در اکثر خانواده‌ها گسترش یافته است. بررسی کاربرد این واژه‌ها در میان پنج گروه سنی به عمل آمد و نتایج زیر حاصل شده است: میانگین مقوله خویشاوندی و وابسته در گروه سنی ۶۰ به بالا ۸۳/۹۵، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ حدود ۸۰/۴۶، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ حدود ۷۶/۹۷، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ حدود ۴۰/۲۳ و در گروه سنی ۳ تا ۱۰ سال ۱۲/۹ درصد است. نکته در خور توجه این است که واژه‌ای که بسامد آن در هر پنج گروه سنی صد درصد بود واژه "دایی" است که معادل فارسی و مازندرانی آن یکی است. داده‌ها و درصد‌های به دست آمده حکایت از آن دارند که در مجموع این گروه سنی بالاتر هستند که گرایش به کاربرد زبان مازندرانی دارند و گروه سنی پایین‌تر به ویژه نوجوانان و خردسالان آشنایی چندانی با معادل‌های مازندرانی واژه‌ها ندارند.

۴-۲-۲- مقوله حیوانات و وابسته

از میان دویست واژه گویشی حدود ۶۰ واژه در زیر مجموعه مقوله حیوانات و وابسته قرار می‌گیرند. واژه‌هایی که بسامد صد درصد را در این مقوله داشته‌اند عبارتند از: بیر - خرس - خرگوش - طوطی - الاغ - قاطر - اسب. علت این بسامد بالا شباهت معادل فارسی و مازندرانی این واژه‌ها است. طی مقایسه‌ای که از هر پنج نسل به عمل آمده است، میانگین بسامد این ۶۰ واژه در گروه سنی ۶۰ سال به بالا ۸۸/۵، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۸۱/۳۳، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۷۷/۳۳، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۴۶/۶۶ و در گروه سنی ۳ تا ۱۰ سال ۱۸/۶۶ درصد بوده است. همان گونه که از درصد‌ها نیز مشخص است شاهد کاهش سریع میانگین درصد‌ها در دو گروه سنی آخر یعنی نوجوانی و خردسالی هستیم.

۴-۲-۳- مقوله غذاها و وابسته

دوازده واژه مربوط به مقوله غذا است. تنها واژه‌ای که در هر پنج گروه سنی دارای بسامد صددرصد بوده است واژه شماره ۱۰۵ (خامه) می باشد که معادل فارسی و مازندرانی آن یکی است. میانگین این مقوله در گروه سنی ۶۰ به بالا ۸۷/۵، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۸۰/۸۳، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۷۷/۵۰، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۵۴/۶۶ و در گروه سنی ۳ تا ۱۰ سال ۱۶/۶۶ درصد بوده است. کاهش چشمگیری در میانگین مقوله مربوط به گروه سنی ۳ تا ۱۰ سال به چشم می خورد.

۴-۲-۴- وسایل منزل و وابسته

از بین دو بیست واژه گویشی، حدود ۲۶ واژه مربوط به مقوله وسایل منزل و وابسته است. واژه‌ای که بیشترین بسامد یعنی صد درصد را داشته باشد در این مقوله وجود ندارد. مقایسه میانگین بسامد مقوله در گروه سنی ۶۰ به بالا ۸۸/۴۶، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۸۰، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۷۷/۳۰، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۳۸/۸۴ و در گروه سنی ۳ تا ۱۰ سال ۵/۷۶ درصد است.

۴-۲-۵- مقوله اشیاء

سه واژه به مقوله اشیاء مربوط می شود. به یکی از این سه واژه در هر پنج گروه سنی حدود ۱۰۰ درصد پاسخ داده شد که واژه شماره ۱۴۴ (کاری) است. علت هم تشابه معادل فارسی و مازندرانی این واژه است. مقایسه میانگین بسامد واژه‌ها در هر پنج گروه سنی به شرح ذیل است. بسامد مقوله اشیاء در سه گروه سنی اول یعنی کهنسال، میانسال و جوان صددرصد بوده است اما این بسامد در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال به ۶۶/۶۶ درصد و در گروه سنی آخر به ۴۰ درصد می رسد.

۴-۲-۶- مقوله پدیده های طبیعی

شش واژه مربوط به مقوله پدیده‌های طبیعی است. در این مقوله، واژه‌ای که بسامد کامل در هر پنج گروه سنی را داشته باشد، وجود ندارد. میانگین بسامد این مقوله در گروه سنی ۶۰ به بالا ۸۸/۳۳، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۹۳/۳۳، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۸۶/۶۶، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۵۳/۳۳ و در گروه سنی ۳ تا ۱۰ سال ۲۳/۳۳ درصد می باشد. با مقایسه میانگین در هر پنج گروه متوجه خواهیم شد که میانگین بسامد در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ بیشتر از گروه سنی ۶۰ به بالا است. لازم به توضیح است طی تجربیاتی که نگارنده کسب نموده است معادل مازندرانی واژه‌های مقوله پدیده‌های طبیعی به سبب شرایط آب و هوایی بسیار متداول است اما از آنجا که

اکثر گویشوران ۶۰ سال به بالا را افرادی بیسواد تشکیل می‌دهند و چون بعضی از این واژه‌های فارسی برای آنان ملموس نیست لذا ترجیح دادند از همان معادل فارسی استفاده نمایند.

۴-۲-۷- مقوله بیماری‌ها

سه واژه مربوط به مقوله بیماری‌ها است. بامقایسه این سه واژه در هر پنج گروه سنی در می‌یابیم که در گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال فقط به یکی از این سه واژه حدود ۱۰ درصد پاسخ داده شده است و بقیه واژه‌ها معادل مازندرانی را به خود اختصاص نداده‌اند. مقایسه میانگین مقوله بیماری‌ها در گروه سنی ۶۰ سال به بالا ۹۰ درصد، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۷۹ درصد، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۶۶/۵۶ درصد، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۶۶/۱۶ درصد و در گروه سنی ۳ تا ۱۰ سال ۲/۳۳ درصد است.

۴-۲-۸- مقوله اعضای بدن

دو واژه مربوط به مقوله اعضای بدن است که عبارتند از (پا-پشت گردن). در سه گروه آخر، واژه‌ای که بسامد صد درصد را داشته باشد، وجود ندارد. میانگین بسامد درصد‌ها در گروه سنی ۶۰ به بالا ۸۵ درصد، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۶۵ درصد، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۶۰ درصد، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۵۰ درصد و در گروه سنی ۳ تا ۱۰ سال ۵ درصد.

۴-۲-۹- مقوله مصدر

هفت واژه مربوط به مقوله مصدر است. در این مقوله هم واژه‌ای که بسامد صد درصد را داشته باشد وجود ندارد. میانگین بسامد مقوله مصدر در گروه سنی ۶۰ به بالا ۹۲/۸۵، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۸۰ درصد، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۷۷/۱۴ درصد، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۴۲/۳۴ درصد و در گروه سنی ۳ تا ۱۰ سال ۲۸/۴ درصد است. نکته درخور توجه این است که خلاء بین نسلی در دو گروه آخر هم زیاد دیده می‌شود.

۴-۲-۱۰- مقوله عبارت‌های وصفی و اضافی

بیست و چهار واژه مربوط به مقوله عبارت‌های وصفی و اضافی است. واژه‌ای که بسامد صد درصد را در هر پنج گروه داشته باشد در این مقوله وجود ندارد میانگین بسامد این مقوله در گروه سنی ۶۰ به بالا ۴۶/۸۴ درصد، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۳۳/۷۲ درصد، در گروه

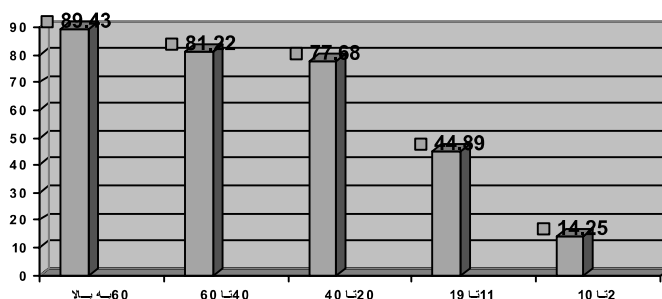
سی ۲۰ تا ۴۰ سال ۷۰ درصد، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۳۶/۲۵ درصد و در گروه سنی ۱۰ تا ۱۷ سال ۱۷/۶ درصد است.

۴-۲-۱۱- جمله

در میان دویست واژه گویشی، چهارده جمله وجود دارند. بالاترین بسامد در گروه سنی ۲۰ تا ۱۰ سال ۴۰ درصد بوده است که سه جمله را در برمی گیرد. میانگین مقوله جمله در گروه سنی ۶۰ به بالا ۹۵ درصد، در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ۸۹/۲۴ درصد، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ۸۵ درصد، در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال ۶۹/۱۴ درصد و در گروه سنی ۱۰ تا ۱۷ سال ۲۰/۷۱ درصد است.

۴-۳- میانگین مجموع مقولات

در این بخش به مقایسه میانگین مجموع مقولات پرداخته می شود تا نتایج مورد بحث جمع بندی شود. این نمودار نشان می دهد که در کدام گروه سنی معادل مازندرانی مقولات بیشتر به کار رفته و در کدام گروه کمتر، هم چنین خلاء بین نسلی در کدام یک از گروه ها بیشتر وجود دارد.



نمودار ۴-۳- مقایسه میانگین کل مجموع مقولات

با این نمودار می توان فرضیه داده شده در مورد خلاء بین نسلی را هم به اثبات رساند. این که خلاء بین نسلی در کاربرد واژگان محلی جویباری در میان دو طبقه کودک و نوجوان مشاهده می شود. مجموع میانگین یازده مقوله برای گروه سنی ۶۰ به بالا ۸۹/۴۳ درصد بوده است. برای گروه سنی ۴۰ تا ۶۰، ۸۱/۲۲ درصد، برای گروه سنی ۲۰ تا ۴۰، ۷۷/۶۸ درصد که خلاء چشمگیری در بین این سه نسل دیده نمی شود. اما این میانگین در گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ و ۱۰ تا ۱۷

سال افت چشمگیری داشته است. این امر خود حکایت از این امر دارد که کاربرد واژگان مازندرانی در میان این دو نسل خیلی کم رنگ است. حتی می‌توان گفت که در گروه سنی آخر رو به فراموشی است.

۵- نتایج اصلی

آنچه تحت عنوان نتایج اصلی در این جا ارائه می‌شود، همان نتایجی است که پژوهش مربوطه در راستای آن صورت پذیرفته است. نتایج مذکور حاصل تحلیل کمی داده‌های این پژوهش است و عمدتاً متکی بر ارقام، جداول، نمودارها و در بعضی موارد بر مبنای مشاهدات مستقیم پژوهشگر است. واضح است که این نتایج در محدوده این پژوهش حاصل شده است و با توجه به محدود بودن جامعه نمونه و همین‌طور عامل جغرافیایی منطقه مربوطه، تعمیم دادن این نتایج به کل جامعه، نیازمند به پژوهش‌هایی در مقیاس فراگیرتر و کلان‌تر است. نتایج اصلی تحقیق عبارتند از:

- ۱- در کاربرد معادل مازندرانی مقوله خوبشاوندی و وابسته، گروه سنی ۶۰ به بالا معادل مازندرانی این مقوله را حدود ۳/۴۹ درصد بیشتر از گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ و حدود ۶/۹۸ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰، حدود ۴۳/۷۲ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ و حدود ۷۱/۸۶ درصد بیش‌تر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده‌اند.
- ۲- در مقوله حیوانات و وابسته گروه سنی ۶۰ به بالا معادل مازندرانی این مقوله را حدود ۷/۲ درصد بیشتر از گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ و ۱۱/۱۶ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ حدود ۴۱/۸۴ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ و ۷۰/۳۴ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده‌اند.
- ۳- در مقوله غذا و وابسته، گروه سنی ۶۰ به بالا معادل مازندرانی این مقوله را حدود ۶/۶۷ درصد بیشتر از گروه سنی ۴۰ تا ۶۰، و حدود ۱۰ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰، حدود ۳۵/۸۴ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ و حدود ۷۰/۸۴ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده‌اند.
- ۴- در مقوله وسائل منزل و وابسته گروه سنی ۶۰ به بالا این مقوله را حدود ۱۰/۴۶ درصد بیشتر از گروه سنی ۴۰ تا ۶۰، حدود ۱۱/۱۶ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰، حدود ۴۹/۶۲ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ و حدود ۸۲/۷ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده‌اند.

- ۵- در مقوله اشیاء هر سه گروه سنی اول این مقوله را ۱۰۰ درصد بکار برده اند و سه گروه اول این مقوله را حدود ۳۳/۳۴ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال و حدود ۶۰ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده اند .
- ۶- در مقوله پدیده‌های طبیعی بیشترین بسامد مربوط به گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال بوده است به طوری که این گروه این مقوله را حدود ۵ درصد بیشتر از گروه سنی ۶۰ سال به بالا و حدود ۶/۶۷ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال و حدود ۴۰ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال و بالاخره حدود ۷۰ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده اند .
- ۷- در مقوله بیماری گروه سنی ۶۰ سال به بالا، این مقوله را حدود ۲۰ درصد بیشتر از گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ و حدود ۲۳/۳۴ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال حدود ۷۳/۳۴ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال و حدود ۸۶/۶۷ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده اند .
- ۸- در مقوله اعضای بدن ، گروه سنی ۶۰ به بالا ، این مقوله را ۲۰ درصد بیشتر از گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ و حدود ۲۵ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال حدود ۳۵ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ و ۸۰ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده اند .
- ۹- در مقوله مصدر گروه سنی ۶۰ سال به بالا این مقوله را حدود ۱۲/۸۵ درصد بیشتر از گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ، حدود ۱۵/۷۱ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ ، حدود ۳۵ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ و ۸۰ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده‌اند .
- ۱۰- در مقوله عبارت های وصفی و اضافی گروه سن ۶۰ به بالا این مقوله را حدود ۱۰/۸۳ درصد بیشتر از گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال ، حدود ۱۴/۱۶ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال و حدود ۴۷/۹۱ درصد بیشتر از ۱۱ تا ۱۹ سال و حدود ۷۶/۶۶ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال به کار برده‌اند
- ۱۱- در مورد مقوله جمله ، گروه سنی ۶۰ به بالا این مقوله را حدود ۵/۷۶ درصد بیشتر از گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال و حدود ۱۰ درصد بیشتر از گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال ، حدود ۳۳/۸۶ درصد بیشتر از گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال و حدود ۷۲/۲۹ درصد بیشتر از گروه سنی ۲ تا ۱۰ سال بکار برده‌اند .

در بررسی مقولات مورد نظر، عامل سن نقش به‌سزایی داشته است. مهم‌تر از همه پذیرش گونه مازندرانی در گروه سنی بالاتر حکایت از پذیرش و کاربرد این زبان در گروه سنی بالاتر دارد.

منابع

۱- فارسی

- آراتو، آنتونی. ۱۳۸۴. *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. ترجمه یحیی مدرس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ارانسکی، ای. ام. ۱۳۸۵. *مقدمه فقه اللغه ایرانی*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام
- ایمانی، محمود. ۱۳۸۳. «بررسی جایگاه و کاربرد زبان ترکی و فارسی در میان گویشوران شهر قم» رساله کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه.
- باطنی، محمد رضا. ۱۳۸۴. *توصیف ساختمان دستور زبان فارسی*. تهران: امیر کبیر.
- _____ . ۱۳۵۶. *نگاهی تازه به دستور زبان فارسی*. تهران: نشر آگاه.
- _____ . ۱۳۷۴. *مسائل زبان‌شناسی نوین*. تهران: آگاه.
- بشیر نژاد، حسن. ۱۳۷۹. «بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و مازندرانی در میان معلمان و دانش‌آموزان متوسطه شهرستان آمل». رساله کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه.
- برده ای، فریدون. ۱۳۴۹. «زبان و لهجه» فرهنگ و زندگی. نشریه دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر.
- پراید، ج. ب. ۱۳۷۳. *جامعه‌شناسی یادگیری و تدریس زبان*. ترجمه اکبر میر حسینی. تهران: امیرکبیر.
- ترادگیل، پیتر. ۱۳۷۶. *درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: نشر آگاه.
- ثمره، یدالله. ۱۳۸۰. *آواشناسی زبان فارسی*. ویرایش دوم. مرکز نشر دانشگاهی.
- جعفری، محمد. ۱۳۷۴. «بررسی گویش سوادکوهی» رساله کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- *جغرافیای استان مازندران*. ۱۳۸۳. گروه آموزشی جغرافیای استان مازندران. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های مرکزی ایران.

- جهانگیری ، نادر . ۱۳۷۳ . « گویش شناسی » . مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبانشناسی نظری و کاربردی . تهران : دانشگاه فردوسی مشهد .
- حجازی کناری ، سید حسن . ۱۳۷۹ . *پژوهش در زمینه نام‌های باستانی استان مازندران* . تهران : روشنگران .
- _____ . ۱۳۷۴ . *واژه های مازندرانی و ریشه یابی آن ها* . تهران : بنیاد نیشابور .
- حمیدی ، ناصر . ۱۳۷۴ . « بررسی ساخت واژه در گویش مازندرانی » . رساله کارشناسی ارشد زبانشناسی . دانشگاه علامه طباطبایی . دانشکده ادبیات و زبان های خارجه
- ذوالفقاری ، سیما . ۱۳۷۶ . « گویش بختیاری بقا یا زوال » رساله کارشناسی ارشد زبانشناسی . دانشگاه علامه طباطبایی . دانشکده ادبیات و زبان های خارجه .
- رجب زاده ، علی اصغر . ۱۳۸۳ . « برخورد زبانی میان فارسی و مازندرانی و ترکی در شهرستان گلوگاه . رساله کارشناسی ارشد زبانشناسی . دانشگاه علامه طباطبایی . دانشکده ادبیات و زبان های خارجه .
- رضایی باغ بیدی ، حسن . ۱۳۸۰ . « زبان های ایرانی » دایرةالمعارف بزرگ اسلامی . زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی . تهران : مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی . ج . ۱۰ .
- ژان کالوه ، لویی . ۱۳۷۹ . *در آمدی بر زبانشناسی اجتماعی* . ترجمه محمد جعفر پوینده . انتشارات نقش جهان .
- سامارین ، ویلیام . ۱۳۶۳ . *زبانشناسی عملی ، راهنمای بررسی گویش ها* . ترجمه لطیف عطاری . تهران : مرکز نشر دانشگاهی .
- **سیمای شهرستان جویبار** ، ۱۳۸۳ . سازمان و مدیریت و برنامه ریزی استان مازندران . نشریه شماره ۵ .
- شکری ، گیتی . ۱۳۷۴ . *گویش ساری مازندرانی* . تهران : مرکز نشر دانشگاهی . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- شیخی کیاسری ، ابراهیم . ۱۳۷۲ . « تبرستان » بازخوانی تاریخ مازندران . اسدالله عمادی . ساری : فرهنگ خانه مازندران .
- صادقی ، علی اشرف . ۱۳۶۹ . « سه اثر درباره لهجه مازندرانی » نگاهی به گویش نامه های ایران . مجله زبانشناسی . سال هفتم . شماره ۲ . ص ۶۷-۷۵ .
- صفایی ، اسماعیل . ۱۳۸۳ . « بررسی نگرش دانش آموزان دو زبانه شهر مرند » . رساله کارشناسی ارشد زبانشناسی . دانشگاه علامه طباطبایی . دانشکده ادبیات و زبان های خارجه .

- طرح هادی شهرستان جویبار . ۱۳۸۱ . گروه مهندسين مشاور و بعد تکنیک . ساری : سازمان مدیریت و برنامه ریزی .
- عمادی ، اسدالله . ۱۳۷۲ . « بازخوانی تاریخ مازندران » ساری : فرهنگخانه مازندران .
- فلاح ، علی محمد . ۱۳۸۱ . « بررسی گروه‌های نحوی در گویش آملی » دانشگاه علامه طباطبایی . دانشکده ادبیات و زبان های خارجه .
- قلی نژاد ، جمشید . ۱۳۷۹ . موسیقی بومی مازندران . ساری : اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- کریم زاده ، حسین . ۱۳۷۲ . « جستاری در پیکره ریزی تاریخ مازندران » بازخوانی تاریخ مازندران . اسدالله عمادی . ساری : فرهنگخانه مازندران .
- کلباسی ، ایران . ۱۳۷۰ . فارسی اصفهانی . تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- _____ . ۱۳۷۶ . گویش کلاردشت . تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- مدرسی ، یحیی . ۱۳۶۸ . درآمدی بر جامعه شناسی زبان . تهران : مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
- مشایخ ، طاهره . ۱۳۸۱ . « بررسی کاربرد فارسی و گیلکی در میان دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی و والدین آنها در شهر رشت » . رساله کارشناسی ارشد زبانشناسی . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- مشکوه‌الدینی ، مهدی . ۱۳۵۴ . « زبانشناسی اجتماعی » مجله دانشکده الهیات . مشهد . ش ۱۷ و ۱۶ ص ۳۳۲-۳۲۰ .
- مصاحب ، غلامحسین . ۱۳۸۰ . دایره المعارف بزرگ فارسی . تهران : چاپ خانه سپهر . وابسته به انتشارات امیر کبیر . ج. ۱ .
- میلانیان ، هرمز . ۱۳۴۹ . « زبانشناسی و تعریف زبان » فرهنگ و زندگی . نشریه دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر . شماره دوم . ص. ۲-۹ .
- مهجوری ، اسماعیل . ۱۳۸۱ . تاریخ مازندران . ج. ۱ . نشر توس .
- نجف زاده بارفروش ، محمد باقر . ۱۳۶۸ . واژه نامه مازندرانی . تهران بنیاد نیشابور .
- نصر اشرفی ، جهانگیر و صمدی ، حسین . ۱۳۷۷ . واژه نامه بزرگ تبری . به کوشش سرپرستان و گروه پدید آورندگان .
- نیکزاد لاریجانی ، میر سعید . ۱۳۷۲ . « وجه تسمیه مازندران » بازخوانی تاریخ مازندران . اسدالله عمادی . ساری : فرهنگخانه مازندران .

- ولایی ، مجید . ۱۳۷۳ . « بررسی اجزای کلام در گویش آملی » رساله کارشناسی ارشد زبانشناسی . دانشگاه علامه طباطبایی . دانشکده ادبیات و زبان های خارجه .
- هومند ، نصرالله . ۱۳۶۹ . *پژوهشی در زبان تبری* . آمل : کتابسرای طالب آملی .
- یارمحمدی ، لطف الله . ۱۳۷۴ . « زوال لهجه ها و زبان ها » . نامه فرهنگستان علوم . شماره دوم . ص ۳۳-۱۵ .

۲- منابع انگلیسی

- Aitchson , J.1993.*language change* , progress or decay ng ed .Cambridge : Cambridge university press
- _ Borjjan , m. 2005 . " *bilingualism in Mazandaran : peaceful existence with Persian* ". www.tc.columbia.edu/students/siea/LCEjro5/pdfs/Borjjan.pdf
- _ Crystal , D . 1992 . *An encyclopedic dictionary of languages and languages* . oxford : black well .
- _ _____ . 2000 . *language death* . Cambridge : Cambridge university press .
- _ Chambers & Trudgill . 1980 . *dialectology* . Cambridge university press .
- _ Delhymes . 1988 . "models of interaction of languages and social life "In ch, Brath paulston & G.Richard tucker(eds) . *Sociolinguistics: the essential reading* 30-47 . black well publishing .
- _ Dittmar , N.1976. *Sociolinguistics*. University of knonstain .
- _ Fasold , R. 1984 /1987/1990 . *the socio linguistic of society / language* . 2.vols . Oxford : black well .
- _ Ferguson .1988 . " Diglossia " In Ch.Bratlpauls & G.Richard trucker(eds) . *Sociolinguistics : the essential reading* 354-365 . black well publishing .

-
-
- _ Fishman ,j .1996 ." what do you lose when you lose your language ?
<http://www.nclea.gwn.edu/miacpubs/stabilize/iii/families/lose.htm> .
- _ Gal ,S.1978.*language shift* . social determinants of linguistic change
in bilingual Austria . new work : academic press .
- _ Grimes , B(E.D). 1992 . *Ethnologue , languages of the world*. Texas:
summer institute of linguistics.
- _ Haugen , E.1988 ."Dialect , language , nation " In ch,Bratl paulston
& g.Richard tucker (eds) . *socio linguistics : the essential reading* .
411-421 black well Publishing .
- _ Hudson . A.1988 . " toward the systematic study of diglossia " . In
ch , Dratl paul ston & G.Richard tucker (eds) .*sociolinguistics: the
essential reading*. 365- 374 black well publishing .
- _ Labov , w.1988. " some socio linguistic principle " . In ch Bratl .
paulston & G.Richard tucker (eds) . *socio linguistics : the essential
reading* 234-249. black well publishing .
- _ Lyons , J . 1980 . *language and linguistics* . an introduction .
London : combridge university press .
- _ Payne , J. 1992 . " Iranian languages " . *international Encyclopedia
of linguistics* . oxford : oxford university press . v.2.
- _ Putz , M.(e.d).1996 . *language contact / language conflict*.
Amesterdam : Philadelphia.
- _ Trudgill, p.1984 . *sociolinguistics. An introduction* . Harmonds
worth : penguin .
- _ Trask , R.I 1996. *Historical linguistics*. London: Arnold .

_ Vasmer ,R.[c.e. Bos worth] . 1991 . " Mazandaran " *Ency clopedia of Islam* . leiden: . E.J.Brill , v.vI.P 435

_ Ward haugh , R.1988 . *introduction to sociolinguistics* . oxford : Black well .

سید ابر